

# بدیع در بوته فراموشی

از لایه لای  
کتابهای  
کتابخانه

سید حسن فاطمی

بخش دوم

۲۱. جمهره خطب العرب، ج ۳، احمد زکی صفوت، مصر،  
شرکه مکتبه مصطفی البابی الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق، شماره  
کتاب: ۱۸۱۸۰۰.

الف) ابوالفضل عیاض (۴۷۶-۵۴۴ق) نام تمام سوره های  
قرآن را به ترتیب در خطبه زیر به کار برده است. (صناعت  
توریه). ص ۲۱۹. آغاز:

«الحمد لله الذي افتتح بالحمد كلامه، و بين في سورة  
البقرة احكامه، و مد في آل عمران و النساء مائدة  
الانعام ليتيم انعامه، و جعل في الاعراف انفال توبة  
يونس و الر كتاب احكمت آياته.»

ب) سعید بن احمد مقرئ نیز نام سوره های قرآن را به ترتیب  
به کار برده است. ص ۲۲۲. آغاز:

«الحمد لله الذي افتتح بفاتحة الكتاب سورة البقرة،  
ليصطفى من آل عمران رجالاً و نساء، و فضلهم  
تفضيلاً، و مد مائدة انعامه و رزقه، ليعرف اعراف

انفال كرمه.»

ج) کفعمی نیز صناعت توریه را به کار برده است. ص ۲۲۴.  
آغاز:

«الحمد لله الذي شرف النبي العربي بالسبع المثاني  
و خواتيم البقرة من بين الانام، و فضل آل عمران على  
الرجال و النساء، بما وهب لهم من مائدة الانعام،  
منحهم باعراف الانفال.»

د) احمد بن حسن بن علی (۶۴۹-۷۲۸ق) این خطبه را  
بی الف انشا کرده است. ص ۲۱۷. آغاز:

«حمدتُ ربی جلّ من کریم محمود، و شکرته عزّ من  
عظیم معبود، و نزّهته عن جهل کلّ ملحد کفور، و قدّسته  
عن قول کلّ مفسد غرور، کبیر لو تقوّم فی فهم لحدّ.»

۲۲. المستطرف فی کل فن مستطرف، محمد بن احمد اشیهی،  
بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۵،  
شماره کتاب: ۱۳۲۳۴۶.

روزی عبدالملک بن مروان از اطرافیان خواست تا اعضای  
بدن را به ترتیب القبا نام ببرند؛ سوید بن غفله ایستاد و گفت:

«انف، بطن، ترقوه، ثغر، جمجمه، حلق، خدّ، دماغ،  
ذکر، رقبه، زند، ساق، شفه، صدر، ضلع، طحال، ظهر،  
عین، غبغب، فم، قفا، کف، لسان، منخر، نغوغ، هامه،  
وجه، ید.»

شخصی برخاست و گفت: «من به ترتیب القبا دو عضو دو  
عضو نام می برم.» سوید گفت: «من سه عضو سه عضو را به  
ترتیب نام می برم.» سپس ادامه داد:

«انف اسنان اذن، بطن بنصر بزه، ترقوه تمره تینه، ثغر ثنایا  
ثدی، جمجمه جنب جبهه، حلق حنک حاجب، خد  
خنصر خاصره، دبر دماغ درادیر، ذقن ذکر ذراع، رقبه  
رأس رکبه و...»

۲۳. دیوان رفعت سمنانی، به کوشش نوح، شماره کتاب:  
۶۹۰۴.

در صفحه یازده خطبه ای بی نقطه از رفعت سمنانی نقل شده  
است. آغاز:

«سرلوح اسرار، و اول هر کار، حامد حمد محمودم که  
عروس کلام گوهر اساس را در حرم اهل دل محرم

۱. شماره نسخه های دیگر: ۸۶۴۲۵، ۵۰۰۹، ۱۳۵۸۹۲، ۱۳۸۸۰۷،  
۱۷۵۷۳۲، ۱۰۶۶۷۸ و....

«البيان انواع، و ان ظن ان يمينه صناع، فلنسجه ناس  
نعرفهم نقلاً و عياناً، و نعدهم زماناً فزماناً، فتجد مناقلهم  
ناية، و نسبهم متدانية، و منازعهم عن الاحسان وانية.»

٢٥. خزنة الادب و غاية الارب، ابن حجت حموى، مصر،  
چاپ اول، ١٣٠٤ق، ص ٤٤٠، شماره كتاب: ٢١٨٤٦

حرفهای نقطه دار از متن زیر حذف شده است. آغاز:

«هو طاع المملوك رسالة محمد و سلم و احکم السمع و الطاعة لکلامها المحکم و الله ما سمعها عالم الاوہام و لا ردع سحرها الحلال مسلماً الاکراه الحرام و عاد عاملاً و اعد للصلا حواصله و صار له مع الله معامله.»

۲۶. مجمع الفصحاء، رضاقلی خان هدایت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰ش، شماره کتاب: ۱۳۸۳۴.

در جلد دوم، صفحه ۸۸۸ قصیده‌ای بی نقطه نقل شده است:  
که رسم عدل در آورد در همه عالم  
که کرد در همه عالم رسوم عدل علم  
کرم که کرد درم کاسه کاسه گاه عطا  
عطا کرد گهر کوه کوه گاه کرم  
۲۷. مجمع‌البحرین، ناصیف یازجی (م ۱۲۸۷ق)، بیروت،  
دارصادر، شماره کتاب: ۱۷۲۰۹۴.

الف) نویسنده ابیاتی سروده که تمام آنها را می‌توان از انتهای خواند. (صناعت انعکاس). ص ۱۲۱. آغاز:

قَمَرٌ یُفْرِطُ عَمْدًا مَشْرِقُ      رَش مَاءٌ دَمَع طَرْفِ یَرْمُقُ  
 قَرطه یفدی جلای ایمن      مین میاه الجید فیه طرق

ب) در بیت‌های زیر از حرف‌های نقطه‌دار استفاده نشده است. ص ۸۹ آغاز:

الله الله الصمد      حال السرور و الكمد  
الله لا اله الا      الله مولاك الاحد

(ج) در بیت‌های زیر از حرف‌های بی نقطه استفاده نشده است.  
همچنین تمام حرف‌های آن می‌توانند به یکدیگر متصل شوند.  
ص ۹۱. آغاز:

بشجی بیست فی شجن      فتن یتسین فی فتن  
شیق تیق تجنب فی      نفی ضیق بقی فقی

(د) در قطعه زیر مصرع اول هر بیت بی نقطه و مصرع دوم

آورده و مدام علم آدم را در کنوس کرام آدم دور دما دم  
داده هر ماه و هور را مهره مهر او در طاس دل.»  
۲۴. الذیل و التکملة، ج ۵، محمد بن محمد انصاری، تحقیق  
احسان عباس، بیروت، دارالثقافة، شماره کتاب: ۱۱۲۶۷۴.  
الف) ابوالحسن رعینی علاوه بر این که کلماتی به کار برده  
که حرف عین دارند، در تمام بیتها قبل از حرف روى نیز عین  
آورده است. ص ۳۳۰. آغاز:  
أَعِدَّ التَّعْهَدَ لِلْعَمِيدِ بِعُطْفَةٍ      تَعْنِي بَرَجْعَةَ عَهْدِكَ الْمَتْبَاعِدِ  
وَاعِدْ سَمْعَكَ لِلْعَتَابِ اعْيِدْ      لَتَعُودَ لِلْإِعْتَابِ عُودَ مُسَاعِدِ  
ب) در تمام کلمات متن زیر حرف عین وجود دارد.  
(صناعت توزیع یا تکریر). ص ۳۳۱. آغاز:

«يا علمى المتبج، و عارضى المتبج، و معتمدى المطاع  
الممتمع، تعهدك للنعم، همع عهادها و رعتك للعصم،  
شرع صعادها و اعتنى السعد باعلانك.»  
(ج) تكرار حرف عين. ص ٣٣٦. آغاز:

«يا عملدتي و عصري، و عدّتي لعصري، و مشرعي  
و مشرعي، و عضدي و عذبي، نعمت عينا بمتابيح  
النعماء، و علوت يفاع العزة القعساء، و همعت مرابعك،  
و نعمت بنايعك».

(د) ابوالحسن رعینی در بیتهای زیر علاوه براین که از کلماتی استفاده کرده که حرف عین دارند، تمام بیتها را به کلمه عین ختم کرده است. ص ۳۴۱. آغاز:

علاك عَلت علَو الشَعرِین      مصاعدة لأعلى المَطلَعين  
واربعة السَعود عنت لسعد      عدتك برِعه لَقعات عین  
(ه) تکرار حرف عین در هر کلمه. ص. ۳۴۲. آغاز:

«علاؤك مشعر اعظامي، مفرع اعتصامي، وعمدة  
اعتمالي، وصعدة اعتقالي، وعزوة اعتمادی، وعروة  
اعتدادي، ومهيع اشراعی، ومريع نزاعي، وعهدة  
اعتلاقي.»

(و) ابن جنان و ابوالحسن رعینی هر کدام قصیده‌ای سروده‌اند که در تمام کلمات آنها حرف عین وجود دارد. ابوالمطرف، برای اشاره به ابن جنان و ابوالحسن رعینی، قصیده‌ای سرود که در تمام آن حرف نون وجود دارد. ص ۳۴۸. آغاز:

محاسن دنیا نا تبین لناظر      ینقّب عنها مستتیناً لعینہا  
نجیب الرعینین مارن انقہا      و ندبّ بنی الجنّان انسان عینہا  
(ز) تکرار حرف نون. ص ۳۴۸. آغاز:



نقطه دار است. (جناس ملّمع). ص ۹۲. آغاز:

اسمر کالرمح له عاملٌ یَغْضِی فِیْغْضِی نَجَب شَبَقِ  
مسک لَمَاءَ عَاطِرٌ سَاطِعٌ فِی جَنَّةٍ تَشْفِی شَجَّ یَنْشَقِ  
(ه) در بیت‌های زیر کلمه‌ای منقوط و کلمه‌ای غیر منقوط  
است. (صناعت خیفاء) ص ۹۳. آغاز:  
ظَبِیَّةٌ أَدْمَاءُ تُفْنِی الْأَمَلَا حَیِّتْ کُلَّ شَجِیٍّ سَأَلَا  
لَا تُفْنِی الْعَهْدَ فَتُشْفِیْنِی وَلَا تَنْجِزِ الْوَعْدَ فَتُشْفِی الْعِلَلَا  
(و) در بیت‌های زیر یک حرف نقطه دار، و حرف دیگر  
بی نقطه است. (صناعت رقطاع).

و ندیم باتّ عندی لیلَةٌ مِنْهُ غَلِیل  
خاف من صنع جمیل قلت لی صَبْرٌ جَمِیل  
(ز) در این سروده علاوه بر این که حرف‌ها نقطه ندارند، نام آنها  
نیز بی نقطه است. (عاطل العاطل). یعنی از حرف‌های الف، سین،  
عین، کاف و میم استفاده نشده است. ص ۹۵. آغاز:

حول دُرٍّ حَلٍّ وَزْدٌ هَلْ لَهُ لِلْحَزِّ وَزْدٌ  
لِحَصْرِ خُلُوٍّ وَصِلٍ وَزْدٌ لِّلْصَحْرِ طُرْدٌ  
۲۸. مدارج البلاغة، رضاقلی خان هدایت، شیراز، کتابفروشی  
معرفت، چاپ دوم، شماره کتاب: ۱۲۱۰۷۶.  
الف) قصیده بی نقطه زیر در مدح حضرت امام رضا(ع)  
است. ص ۱۲۲. آغاز:

سرور هر مس دها داور داراعلم  
مالک ملک عطا عالم علم کرم  
عدل و کرم را مطاع داد و دول را معاد  
عالم علم اله حاکم ملک حکم  
ب) شرف الدین قزوینی قطعه بی نقطه زیر را سروده است.  
ص ۱۲۱. آغاز:

امام و سرور و صدر ممالک اسلام  
صلاح ملک و ملل مالک ملوک کرام  
ملک محامد و آدم دم و محمد اسم  
علی مراسم و کزار علم و سعد سهام  
ج) بدرالدین جاجرمی (م ۶۸۶ق) نیز قصیده بی نقطه زیر را  
سروده است. ص ۱۲۰. آغاز:

که کردگار کرم مردوار در عالم  
که کرد اساس مکارم مههد و محکم  
عماد عالم عادل سوار ساعد ملک  
اساس طارم اسلام و سرور عالم

د) قصیده بی الف از رشیدالدین وطواط. ص ۱۲۳. آغاز:

خسرو ملک و ملک بخش کشورگیر  
که ز خلقتش به عدل نیست نظیر  
قصر مجد و شرف بدوست رفیع  
چشم فضل و کرم بدوست قریر  
(ه) از قطعه زیر الف و راء هر دو حذف شده‌اند. ص ۱۲۴.  
آغاز:

قد من شد چو دو زلف نجم دوست نجم  
دل من شد چو دو چشم دژم دوست دژم  
دل دژم گشتم و قد چفته وزین گونه شود  
دیده چون چشم دژم بیند و زلفین نجم  
۲۹. عنوان الشرف الوافی، اسماعیل بن ابی بکر مقرئ (م  
۱۳۷ق) مکتبه اسامه دارالروائع، ۱۴۱۷ق، شماره کتاب:  
۲۱۵۴۹۲۷

نویسنده، پنج رساله در پنج علم را در قالب یک متن آورده  
است. به این صورت که متن اصلی، یعنی سطرهای افقی، فقه  
است، و اگر حرف‌های اول سطرها در ادامه هم خوانده شود،  
رساله‌ای پیرامون علم عروض، و در صورتی که حروف آخر  
سطرها در امتداد هم خوانده شود، رساله‌ای پیرامون علم قافیه  
خواهد شد. دو ستون نیز در وسط سطرها با خط‌های عمودی  
مشخص شده که یکی پیرامون تاریخ و دیگری پیرامون نحو  
است. (صناعت توشیح).<sup>۳</sup>

۳۰. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن  
قیس رازی (قرن هفتم هجری)، تصحیح محمد قزوینی، چاپ  
سوم، ۱۳۶۰ش، شماره کتاب: ۱۶۲۶۴۸.  
الف) در صفحه ۳۹۵ ابیاتی آورده شده که اگر حروف آخر  
مصرع‌های اول، و حرف اول مصرع‌های دوم، و نیز کلماتی که  
در وسط جدا گردیده، در ادامه هم خوانده شود، اشعاری فارسی  
و عربی استخراج می‌شود.

۱. ۶۲۰۳۷.

۲. ۵۶۳۸، ۲۶۸۱۱، ۴۶۵۸۸، ۱۲۶۳۳۶، ۶۶۴۹۹ و....

۳. عبدالله انصاری در مقدمه‌ای که بر عنوان الشرف الوافی نگاشته است،  
نویسنده آن، اسماعیل مقرئ (م ۱۳۷ق) را مبتکر صناعت توشیح  
معرفی کرده است؛ حال آن که رشیدالدین وطواط (م ۵۷۳ق)، در  
حداقل السحر این صناعت را تعریف و چند نمونه از آن را نقل کرده  
است.

۴. ۲۶۳۹۵، ۹۹۰۷۹، ۱۷۴۹۴، ۳۲۵۰۱، ۱۵۰۵۱۷، ۵۳۹۷۷، ۵۲۴۷۴.

آنچه در این صفحه آمده عجیبتر از عنوان الشرف الوافی است، زیرا علاوه بر این که منظوم است، هر دو زبان فارسی و عربی در آن به کار رفته است، اما کتاب عنوان الشرف الوافی تماماً عربی و نثر است.

ب) در صفحه ۳۹۰ صناعت توشیح به گونه‌ای دیگر آمده است. آغاز:

بیش از اندازه این طایفه «بر بنده نهاد

جود تو بارگران» زان دو کف گوهر بار دیگرانند چو من بنده و «من بنده ز شکر

عاجزم چون دگران» وز خجلی گشته فگار با جدا کردن عبارات داخل گیومه، بیت زیر به دست می‌آید: بر بنده نهاد جود تو بارگران

من بنده ز شکر عاجزم چون دگران ۳۱. انوار الربع فی انواع البدیع، سیدعلی صدرالدین مدنی (م ۱۱۲۰ق)، تحقیق شاکر هادی شکر، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۸ق. الف) «هلال» از جمله الفاظ مشترک است که دارای معانی متعدّد است. ابوالفضل یحیی بن سلامه حصفکی (م ۵۵۱ یا ۵۵۳ق) در قصیده‌ای آن را بارها تکرار کرده، و هربار در معنای خاصی به کار برده است. ج ۱، ص ۱۶۸. آغاز:

اقول و ربما نفع المقال اليك سهيل اذ طلع الهلال  
تكاثرني بآلات المعاني وكيف يكاثر البحر الهلال<sup>۱</sup>  
ب) یحیی بن سلامه واژه «هلال» را در تمام معانی آن به کار برده است، لذا شرف‌الدین قاهری هفده بیت سروده، که در هر بیت، «هلال» را در معنای خاصی غیر از آنچه یحیی بن سلامه به کار برده، استعمال کرده است. ج ۱، ص ۱۶۹. آغاز:

ان شعری قد حط سعری حتی  
ثم نحوی جز المکاره نحوی  
صار قدری کمثل قدر الهلال

فاعترانی منها کلسع الهلال<sup>۲</sup>  
ج) یکی از واژه‌های مشترک لفظ «عین» است، که دارای معانی فراوان است. احمد بن ابی الحسن سبکی (م ۷۷۲ یا ۷۷۳ق) در سروده خود، این لفظ را بارها تکرار و هربار در معنای خاصی به کار برده است. ج ۱، ص ۱۶۵. آغاز:

هنيئاً قد اقر الله عيني فلا رمت العدى اهلي بعين  
وقد وافى المبشر لي فأكرم بخير ربيته وافى وعين  
د) در عبارت زیر، که در مذمت دنیا گفته شده، جناس

مطرف به کار رفته است. جناس مطرف آن است که در عبارتی دو کلمه به کار رود که تنها در یک یا چند حرف اول با هم اختلاف داشته باشند. ج ۱، ص ۱۷۷. آغاز:

«ان قبلت بَلَّت، او ادبرت بَرَّت، او واصلت صَلَّت، او ايسرت سَرَّت، او اطنبت نَبَّت، او اسلفت بَسَفَّت، او اعونت وَنَّت، او نوّهت وَهَّت.»

ه) معتمد بن عباد در سروده خود جناس مذیل (عکس مطرف) به کار برده است. ج ۱، ص ۱۳۵. آغاز:

ايها الصاحب الذي فارقت عي  
ني و نفسي منه السنا و السناء  
نحن في المجلس الذي يهب الرا

حة و السمع الغني و الغناء  
و) بهاء‌الدین محمد بن عبدالله طبری نیز از جناس مذیل بهره برده است. ج ۱، ص ۱۳۷. آغاز:

اراني اليوم للاحباب شاك و قد ماكنت للاحباب شاكر  
و مالي منهم اصبحت باك اباكر بالمدافع كل باكر  
ز) «دار» در سروده حریری تکرار شده، و هر کدام در معنای خاصی است. ج ۱، ص ۱۷۱. آغاز:

لاتسبك الفانأى و لا دارا و دُر مع الدهر كيما دارا  
و اتخذ الناس كلهم سكنا و مثل الارض كلها دارا  
ح) ابن جابر در آیات زیر که وزن آن رجز تام است، صناعت تشریع به کار برده است؛ یعنی اگر قسمتی از هر بیت حذف گردد، با وزنی دیگر خوانده می‌شود. ج ۴، ص ۳۵۰. آغاز:

يـربـو بطرف فاتر، مهمارنا  
فهو المنى، لا انتهى عن حبه  
يهفو بغصن ناضر، حلو الجنى

يشفى الضنى، لاصبر لي عن قربه  
اگر از دو بیت فوق عبارتهای «مهمارنا» و «حلو الجنى» حذف گردد، وزن آن بحر رجز منهوک می‌شود:

يـربـو بطرف فاتر فهو لا منى لانتهى عن حبه  
يهفو بغصن ناضر يشفى الضنى لاصبر لي عن قربه  
اگر «فهو المنى» و «يشفى الضنى» حذف گردد، بحر آن رجز

۱. «هلال» اول به معنای ماه، و «هلال» دوم به معنای آب تـه حوض است.

۲. «هلال» اول به معنای قسمتی از کفش است که هنگام راه رفتن به زمین کشیده می‌شود، و «هلال» دوم به معنای نوعی افعی است.



مشطور خواهد شد:

یربو بطرف فاتر مه مارنا لا أنتهی عن حبه  
یہفو بغصن ناضر حلوالا جنی لاصبر لی عن قربہ  
با حذف قسمتهای پایانی هر بیت، یعنی «لا انتهی عن حبه»  
و «لا صبر لی عن قربہ»، بحر آن رجز مجزو می شود:  
یربو بطرف فاتر مهمارنا فهو المني  
یہفو بغصن ناضر حلو الجنی یشفی الضنی  
(ط) در ابیات زیر نیز همانند قصیده قبل، صناعت تشریع به  
کار رفته است. ج ۴، ص ۳۵۱. آغاز:  
جمر غرامی واقد، یحکی لظی  
شراره، فی القلب لیس ینظفی

و دمع عینی شاهد، علی الهوی

مدراره، و الوجد ما لا یختفی  
(ی) اسماعیل بن عباد سروده ای در مدح اهل البیت (ع) دارد  
که در آن حرف الف را به کار نبرده است. ج ۶، ص ۱۸۱. آغاز:  
قد ظل یجرح صدری من لیس یعدوه فکری  
(ک) علی بن حسین همدانی حرف واو را حذف کرده است.  
ج ۶، ص ۱۸۱. آغاز:

برق ذکر ت به الجائب لما بدا فالدمع ساکب  
امدا معی منهلة هاتیک ام غزر السحاب  
(ل) حذف حرفهای نقطه دار. ج ۶، ص ۱۸۲. آغاز:

«الحمد لله سامع الدعاء، و ساطع اللأواء، و حاسم  
اللاواء، و مدمر الاعداء، و صلی الله علی رسله محمد  
احمد الرسل احکاماً، و اعلامهم اعلاماً، و اسعدهم  
طالعا، و اسماهم مطالعا».

(م) حذف حروف نقطه دار، از ابن معصوم مدنی (م)  
۱۲۰ (ق)، ج ۶، ص ۱۸۴. آغاز:

الله ما أحلی وصال الملاح  
و ما الردی الأ صدور الرماح  
لا اصلح الله عدو الحی

علی الهوی لما رأى الوصل لاح  
(ن) حذف حروف نقطه دار، از سید عبدالله طیلوانی. ج ۶،  
ص ۱۰۸. آغاز:

رد الحلم و اسمع مارواه امرؤ آس  
و اسس عماد العلم احکم آساس

وراع عهود الله وراغ و عوده

و حم حول اصلاح لواسع ارماس  
۳۲. نفح الطیب، احمد بن محمد مقری (م ۱۰۴۱ق)، بیروت،  
دارالکتاب العربی.

(الف) کفعمی ضمن نامه ای به ابوالعباس بن فروری در شأن  
امیر علاءالدین، واژه هایی به کار برده که اگر جدا گانه کنار هم  
قرار گیرند، قصیده ای می شود. ج ۱۰، ص ۲۰۲. آغاز:

«یقبل الارض و ینهی سلام عبد لکم محب و علی  
المقة مکب لویدا للناظرین عشر معشار شوقه و غرامه  
الطبق ذلك ما بین آفاق السموات السبع والارض»  
با کنار هم قرار گرفتن واژه های سیاه، بیت زیر به دست  
می آید:

سلام محب لویدا عشر شوقه

لطبق ما بین السموات والارض  
(ب) شهاب الدین احمد بن فرح لخمی در قصیده «غرامی  
صحیح» انواع احادیث را نام برده است. ج ۳، ص ۲۸۳. آغاز:  
غرامی صحیح و الرجا فیک معضل  
و حزنی و دمعی مطلق و مسلسل  
و صبری عنکم یشهد العقل أنه

ضعیف و متروک و ذلی اجمل  
(ج) حذف حرف راء، از محمد بن محمد کللی (م ۷۵۷ق) ج  
۱۰، ص ۴۲. آغاز:

قسماً بوضاح السنی الوهاج

من تحت مسدول الذوائب داج  
و بأبلج بالمسک خطت نونه

من فوق و سنان اللوا حظ ساجی  
(د) ابو عبدالله بن عمران در مدح رسول خدا (ص) قصیده ای  
سروده است که هر بیت به ترتیب حروف الفبا آغاز می شود. ج  
۱۰، ص ۳۴۶. آغاز:

ایا خیر البریة هذی

مدحی و ما انا فی مقامی هاذی  
بها اظهرت صدق مجتبی

و بذلك الجاه الکرم لیاذی  
(ه) علاء الدین محمد ابجی، تسدسی را به ترتیب الفبا در  
مدح رسول اکرم (ص) بدین صورت سروده است که در ابتدا  
و انتهای هر چهار مصراع اول، و حرف اول مصراع پنجم، یکی

الرّم، و اهل السماح و الكرّم، و مهلك عادٍ و إرم، ادرک کل سر علمه.»

(د) در مقامه ۴۶ (حلیه) نیز ابیاتی بی نقطه به چشم می خورد. آغاز:

أعدّد لحسّارک السّلاح و اورد الآمل ورد السّماح  
و صارم اللّهُ و وصل المّها و اعمل الکوم و سمر الرّماح  
(ه) حریری در مقامه ۴۶ (حلیه) در سروده خویش تنها از حرفهای نقطه دار استفاده کرده است. آغاز:

فَتَشْنِي فَجَنَّتْنِي تَعَجْنِي بَتَجَنَّ يَفْتَنَ غَبَّ تَجَنِّي  
شَعَفْتَنِي بِجَفْنٍ ظَبِي غَضِيضٍ غَنَجٍ يَقْتَضِي تَغِيضَ جَفْنِي<sup>۳</sup>  
(و) در متن زیر، کلمه ای منقوط و کلمه ای غیر منقوط است. (صناعت خیفاء). مقامه ششم (مراغیه). آغاز:

«الکرم ثبّت الله جيش سعودك يزین، و اللّؤم غَضّ الدهر  
جفن حسودك يشین، و الاورع یثیب، و المورع یخبیب  
و الحلالحل یُضیف، و الماحل یخیف، و السمع یُعْدی.»

(ز) در این ابیات نیز صناعت خیفاء به کار رفته است. مقامه ۴۶ (حلیه) آغاز:

اسمع فبّ السماح زین و لا تُخب آملًا تُضیف  
و لا تُجز ردّ ذی سؤال فَنّ ام فی السّؤال خَفّ  
(ح) در مقامه ۲۶ (رقطاع) صناعت رقطاع به کار رفته است. (حرفی منقوط و حرفی غیر منقوط). آغاز:

«أخلّق سیدنا تُحَبّ، و بعقوته یُلَبّ، و قُرْبُهُ تُحَفّ، و ثابّه  
تلف، و خُلَّتْهُ نسب، و قطیعته نصب، و غربه ذَلِق،  
و شبهه تأتلق، و ظلفه زان، و قویم نهجه بان.»

۳۵. القصیده المیمیة الخالیة من الالف، سیدابوالقاسم  
جعفرین حسین موسوی خوانساری (م ۱۱۵۸ق)، شماره کتاب:  
۱۵۱۹.

این اثر که در موضوع فقه و پاره ای موضوعات دیگر سروده شده، حرف الف در آن به کار نرفته است. تعداد ابیات آن در این

از حروف الفبا را به کار برده است. در بند اول حرف الف، و در بند دوم حرف ب، و... تا پایان حروف الفبا. ج ۱۰، ص ۳۱۸. آغاز:

الله احمد احمدا اذ یرأ اوضی و ضیی نوره یتلألا  
انواره کل العوالم تملأ اکوانه لولاه لم تک تنشأ  
ان کنتم انقذتم له تسلیمًا صلّوا علیه و سلّموا تسلیمًا  
(و) محمّد بن عفیف، تسدیس دیگری در مدح پیامبر (ص) به شیوه قبل سروده است. ج ۱۰، ص ۳۲۲. آغاز:

احسن بطلعة احمد هی اوضأ اعلن بلمعته العوالم تملأ  
ازین به لما اتی تیلألا ابین بآیات له فتبأ  
الله قدمه بها تقدیمًا صلّوا علیه و سلّموا تسلیمًا  
۳۳. مخزن الانشاء، محمّد صادق خوانساری، تهران، ۱۳۰۳ق، چاپ سنگی، شماره کتاب: ۱۲۵۴۴.

در حاشیه صفحه ۱۲۷ نامه ای بی نقطه از میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله چاپ شده است. آغاز:

«گرد درگاه داور داراهمال، مهرکرم هلال علم، ملک  
الملوک عالم، مالک الملک ممالک ساحل ورطه مهالک،  
واسطه سلك اعوام و دهور، محرک ادوار ماء و حور.»  
۳۴. مقامات حریری، تهران، مؤسسه فرهنگی شهید محمّد  
رواقی، چاپ اول، ۱۳۶۴ش، شماره کتاب: ۱۱۰۱۲۱.

الف) حریری در مقامه شانزدهم (مغریه) سروده ای دارد که ابیات آن را از انتها نیز می توان خواند. (صناعت انعکاس). آغاز:

أُس ارملا اذا عرا وارِع اذا المرء اسا  
اسند اخانباها اِبْن اخاء دَنَسا

ب) در مقامه ۴۶ (حلیه) ابیاتی وجود دارد که الفاظ آن دوبه دو همانند یکدیگرند، و تفاوت آنها در نقطه و حرکات است. آغاز:

رُیْنَت زینب بقْدَ یَقْدَ و تلّاه ویلاّه نهْدَ یَهْدَ  
جندھا جیدھا و ظرف و طرف

ناعس تاعس بحدّ یُحدّ  
(ج) متنی بی نقطه در مقامه ۲۸ (سمرقندیه) آمده است. آغاز:

«الحمد لله الممدوح الاسماء، المحمود الآلاء، و الواسع  
العطاء، المدعو لحسم اللاواء، مالک الامم، و مصوّر

۱. ۳۹۱۳۹، ۵۰۷۳۲، ۴۲۲۷۷.  
۲. ۵۵۲۲۱، ۵۶۵۲، ۶۲۹۶۹ و....

۳. برخی تصوّر می کنند گذاردن نقطه زیر یاء بزرگ، رسم الخطّ جدید عربی است، اما از آن جا که حریری یاء بزرگ را از این ابیات حذف نکرده است، روشن می شود که گذاردن نقطه زیر یاء بزرگ هزار سال پیش نیز معمول بوده است.



نسخه خطی حدود ۶۵۰ بیت است، اما این قصیده که به ضمیمه مبانی الاصول،<sup>۱</sup> تألیف میرزا محمد هاشم چهارسوقی چاپ شده، ۸۹۰ بیت است، لیکن مرحوم آقابزرگ در الذریعة، ج ۲۳، ص ۵۸، تعداد ابیات آن را نزدیک به سه هزار بیت ثبت کرده است. آغاز:

تَنَشَّمْتُ فِي قَصْدِي بِخَيْرِ تَنْشَمٍ

و بدیت منظومی بذکر معظم

فبسملت فی قیدوم نظمی و منطقی

تَبَرَّكَتْ مِنْ فَوْرِي بِخَيْرِ مَقْدَمٍ

۳۶. زندگانی حضرت معصومه (س) و تاریخ قم، قم، کتابفروشی صحفی، شماره کتاب: ۵۷۶۲۰.

الف) قصیده‌ای بی نقطه در مدح امیرالمؤمنین (ع)، از سالک، ص ۸۲ آغاز:

مهر در دار حمل آمده در اول سال

کوه و صحرا همه را لاله و گل مالامال

آمده سرو دل آرا و درآ و صلصال

آمده روح ده کل مروّح سلسال

ب) قصیده بی نقطه دیگر از سالک در مدح امام علی (ع). ص ۸۴ آغاز:

اسدالله سرّ داور کل اسدالله صهر صدر رسل

محرم سرکردگار ودود ولد عم احمد محمود

۳۷. حقائق السحر فی دقائق الشعر، رشیدالدین وطواط، (م ۵۷۳ق) تصحیح عباس اقبال، کتابخانه سنائی و طهوری، ۱۳۶۲ش، شماره کتاب: ۱۱۳۵۷۴.

الف) حرف الف از بیت‌های زیر حذف شده است. ص ۶۵. آغاز:

زلفین برشکسته و قدّ صنوبری

زیر دو زلف جعدش دو خطّ عنبری

دو لب عقیق و زیر عقیقش دو رسته دُرّ

نرگس دو چشم و زیر دو نرگس گل طری

ب) حریری در قصیده زیر حرفی منقوط و حرفی بی نقطه به کار برده است. ص ۶۶ آغاز:

سَيِّدُ قُلُوبٍ سَبُوقِ مَبَرٍّ فُطْنِ مَغْرَبِ غَزُوفِ عَيُوبِ

مُخْلَفِ مَتَلَفِ اغْرَ فَرِيدِ نَابَةِ فَاضِلِ ذَكَايَ انُوفِ

۳۸. البديعيات فی الادب العربی، علی ابوزید، بیروت، المزروعة بناية الايمان، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، شماره کتاب:

۷۷۹۰۵.

بدیعه قصیده‌ای است که در هر بیت، یا دو بیت آن، دست کم یکی از صنایع بدیع به کار رفته باشد، و برای ثنا یا مدح یا... سروده شده باشد. در این کتاب ۹۲ بدیعه معرفی شده و گاه نمونه‌هایی از بیت‌های آنها نیز آورده شده است. در میان بدیعاتی که شناسانده شده، متن دو بدیعه به طور کامل آورده شده است که به آوردن آغاز آن دو اکتفا می‌شود.

الف) الکافیة البديعية فی المدائح النبویة، صفی‌الدین حلّی، ص ۳۱۵. آغاز:

ان جئت سَلْعاً فَسَلُّ عَنْ جِیرَةِ الْعَلَمِ

واقرّ السلام علی عُرْبِ بَذی سلم

فقد ضمنت وجود الدمع من عدم

لهم و لم استطع مع ذاك منع دمی<sup>۳</sup>

ب) الطراز البديع فی امتداح الشفیع، ابوالوفاء بن عمر العرضی، ص ۳۳۰. آغاز:

براعتی فی ابتدا مدحی لذی سَلَمِ

قد استهلّت لدمع فاض كالْعَلَمِ

قد رَكَّبَ الركب فی الاطلاق للنعم

سقمی فَعُجَّ بی فعجبی مِنْ قلی نِعَمی

۱. ۱۱۷۹۳۰.

۲. ۹۷۷۳، ۲۸۴۸۲، ۲۴۵۴ و....

۳. در بیت نخست براعت استهلال، تجنیس مرکب و مشتبه، و در بیت دوم صناعت تغلیق به کار رفته است.